

نگاهی به فیلم «گلادیاتور ۲»: ساخته جدید اسکات را با «گلادیاتور ۱» مقایسه نکنید

نصف گلادیوس!

صفحه ۸



پنجشنبه ۱۶ دی ۱۴۰۳ | ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | سال هفدهم | شماره ۴۱۵ | ۸ صفحه | ۵۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۹۰ سال و ۱۵ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL. 171 | NO. 4215 | THU. DEC. 26, 2024 | ISSN: 2008-2886

مروری بر روایت‌های ملی شدن صنعت نفت در سینما و تلویزیون ایران به بهانه اکران «خائن کشی»

مصدق که ندی شناسیم!

صفحه ۸



تیترهای امروز

مسیحیان آواره غزه کریسمس را غرق در رنج و ماتم گذرانند

اسرائیل ضد مسیح

صفحه ۷

رزمایش مهم دفاعی - تهاجمی ایران در روزهای آینده برگزار می‌شود

پیام

اقتدار و آمادگی

صفحه ۲

ساحته هوایی برای هواپیمای جمهوری باکو در قزاقستان ۴۵ کشته بر جا گذاشت

ناگهان سقوط

صفحه ۷

«وطن امروز» از مصائب واکذاری خودروسازان دولتی گزارش می‌دهد

بازی خودروسازان با تودلی

صفحه ۲

نگاهی به تبعات تغییر نرخ ارز و تأثیر آن بر حوزه سلامت و خدمات درمان

ارز و لکز

صفحه ۲

۳۵۱ ضمیمه طنز راه راه

آنکاد ریش جولانی تضمین است!

سکوت مرگبار

نگاه

شهاب خدام

در حالی که تمرکز جامعه‌بین‌المللی و رسانه‌های طی ۳ هفته اخیر بر تحولات سوریه بوده، رژیم صهیونیستی با سوءاستفاده از این فرصت همچنان مشغول جنایت و نسل‌کشی در غزه است. آمارهای تلفات غیرنظامیان در جنگ غزه نه‌تنها کاهش نیافته بلکه حملات رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف غزه روزانه ده‌ها نفر را قتل عام می‌کند و تعداد شهدا از ۴۵ هزار نفر گذشته است.

در کنار حملات روزانه و شبانه اشغالگران به نوار غزه، رژیم جنگ غیرعلنی خود علیه غیرنظامیان، یعنی محاصره غزه را هم تشدید کرده است؛ محاصره‌ای که طی ۱۵ ماه اخیر تبعات ویرانگری برای کودکان، زنان و غیرنظامیان بر جا گذاشته است.

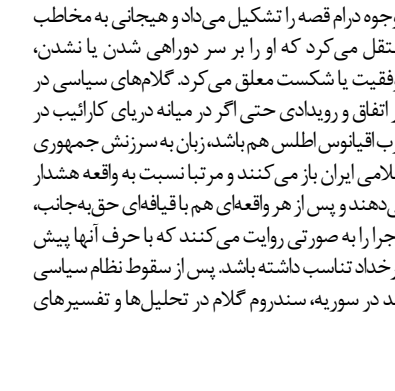
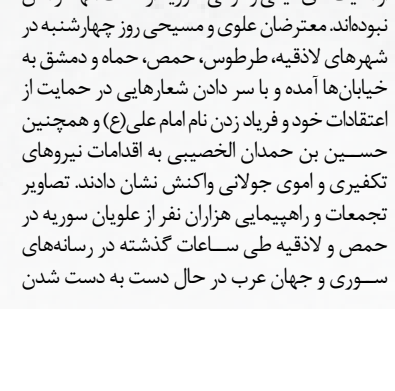
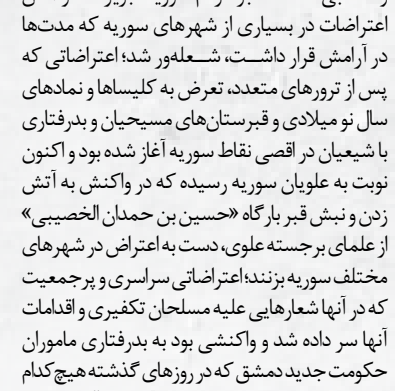
سازمان امدادرسان آکسفام که یک خبره بین‌المللی است هفته گذشته رژیم صهیونیستی را به مانع تراشی‌های سیستماتیک در مسیر ارسال کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه بویژه به استان‌های شمال این منطقه متهم کرد و گفت: طی ۲ ماه و نیم گذشته تنها ۱۲ کامیون آب و غذا به شمال غزه ارسال شده است. این آب و غذا است که مجوز ورود ۳۴ کامیون آب و غذا صادر شده بود که حتی همین ۳۴ کامیون نیز ناچیز بود.

آکسفام تأکید کرده از تش صهیونیستی با «تاختیرهای عمدی و موانع سیستماتیک در مسیر ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه مانع تراشی می‌کند».

اگر چه رژیم صهیونیستی همواره بدون توجه به جهان خارج به جنایت و وحشیگری علیه فلسطینیان دست زده اما سکوت جامعه‌بین‌المللی طی ماه‌های اخیر باعث تشدید نسل‌کشی علیه فلسطینیان شده است.

پیش از این طی ماه‌های اول جنگ تا میانه‌های سال جاری میلادی شاهد اعتراضات گسترده افکار عمومی بین‌المللی علیه اقدامات اسرائیل در نوار غزه بودیم اما طی ۲-۳ ماه گذشته شدت و حدت این اعتراضات در کشورهای جهان به طرز مشکوکی کاهش یافته است که به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها آن را یک چک سفید برای تداوم وحشیگری در نوار غزه یافته‌اند. رسانه‌های غربی حامی رژیم اشغالگر با تغییر تمرکز از نوار غزه به مسائل دست چندم دیگر، متهم اصلی در این زمینه محسوب می‌شوند و با عادی‌سازی جنایات اسرائیل و مسائلی نظیر مذاکرات آتش‌بس تلاش زمینه محسوب می‌شوند و با عادی‌سازی جنایات اسرائیل و مسائلی نظیر مذاکرات آتش‌بس تلاش کرده‌اند افکار عمومی جهان را نسبت به موضوع غزه بی‌حس کنند؛ درست برعکس کاری که در قبال اوکراین می‌کنند.

ادامه در صفحه ۶



اعتراضات مردمی در حمص، حماه، لاذقیه، طرطوس و دمشق علیه جنایات شورشیان جولانی شدت گرفت

درگیری‌های

خونین

در سوریه

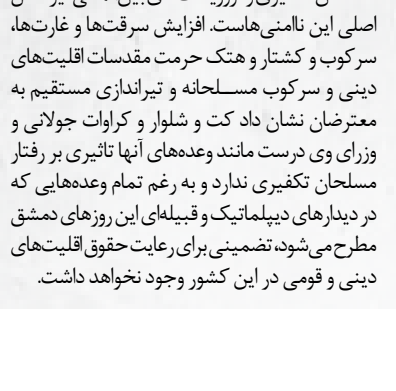
در این درگیری‌ها تاکنون ۳ نفر کشته شده‌اند بی‌اعتنایی مردم به اعلام آتش‌بس از سوی شورشیان



است و در بسیاری از تصاویر، سرکوب اعتراضات و شلیک مستقیم به سوی معترضان به وضوح قابل مشاهده است. در یکی از تصاویر منتشر شده علویان با تجمع مقابل استانداری طرطوس با سر دادن شعارهایی در آرامش قرار داشتند، شعله‌ور شد؛ اعتراضاتی که سرکوبگرانه تکفیری‌های شعار سر دادند. در بسیاری از تصاویر منتشر شده در فضای مجازی، تصاویر برخورد خشن و سرکوب تظاهرات توسط نیروهای حکومت جولانی که همچنان به نیروهای شبه‌نظامی و تکفیری شباهت دارند، مشاهده می‌شود و تصاویر متعددی از شلیک مستقیم این نیروها به معترضان مخابره شده است؛ تصاویری که در برخی از آنها معترضان زخمی روی زمین افتاده‌اند و صدای تیراندازی همچنان ۷ و ۸ نفر با شلیک مستقیم نیروهای حکومت جولانی زخمی شده‌اند. به دلیل افزایش درگیری‌ها در شهر حمص فرماندهی پلیس حکومت جولانی در حمص از برقراری حکومت نظامی در این شهر از ساعت ۱۸ تا ۸ صبح و مقررات منع آمد و شد خبر داد. معترضان اما در استان‌های لاذقیه، حمص، طرطوس و منطقه المانه دمشق حکومت نظامی را شکسته و در خیابان‌ها تجمع‌اند. چند روز قبل نیز مسیحیان دمشق اعتراضاتی حمص و لاذقیه طی ساعات گذشته در رسانه‌های سوری و جهان عرب در حال دست به دست شدن

سندروم گلام و سوریه‌سازی از ایران امروز

سیاسیون و رسانه‌های فزونی گرفته است. گلام‌های سیاسی در ۲ هفته اخیر در ۲ دسته کاملاً مجزا شروع کرده‌اند به منفی‌بافی و یأس‌فرینی و القای ناامیدی و برخی به تصریح و برخی به تلویح و کنایه، سرنوشت سوریه را برای جمهوری اسلامی ایران ترسیم و تصویر کرده‌اند. گوش اول، اصلاح‌طلبانی هستند که بی‌اعتنا به آنچه در مذاکرات برجام و پس از آن در سال‌های ۹۴ و ۹۵ رخ داد، روی کار آمدن دولت پزشکیان را فرصت و زمینه‌ای می‌بینند که مجدداً با یک آرایش رسانه‌ای، علت‌العلل تمام مصایب و مسائل ایران امروز را جمله ناترازی انرژی که زندگی این روزهای ایران را مختل کرده است، «تحریم» بدانند و با مقایسه بی‌وجه تورم ۳۴ درصدی ایران با تورم ۱۲۰ درصدی سوریه و غفلت تعددی از همه تمایزها و تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی این ۲ کشور، مقاومت را بی‌فایده و پرهزینه نشان دهند. همین عناصر و افراد و رسانه‌ها با گزینش تصویری از دختران و زنان بی‌حجاب سوری و لبنانی در جشن‌های محلی و ملی ۲ کشور و انتشار فراگیر آن در رسانه‌های اجتماعی ایران کوشش داشتند تاوازن رابطه ایران و کشورهای مقاومت را به نفع و کفه کشورهای عربی سنگین کنند. دسته دوم، برخی تحلیلگران دلسوز وابسته به جریان انقلابند که در نقش مطالبه‌گری خود عمیقاً غرق شده‌اند و گمان می‌برند آنچه به ذهن آنها



می‌رسد، به فکر مدیران و سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی و سیاسی ایران خطور نمی‌کند. در جهان آنها، همه وابسته یا بی‌صبرند و رهبر انقلاب، تنها هستند و خون شهدای مدافع حرم پایمال شده و بعد از ۱۳ دی ۹۸ و شهادت سردار پرافتخار ایران‌زمین، حاج قاسم سلیمانی، ایران از حیث توانمندی، راهبرد و طراحی و ابتکار رو به افول است و ایشان وظیفه و تکلیف تاریخی دارند که با «من می‌دونم»، «من می‌دونم» گفتن جامعه به خواب رفته را بیدار کنند. روزی به شوری نگهبان، ساعتی به سپاه، دیروزی به دولت و امروز به بیت رهبری نه‌بیم می‌زنند و گمان می‌کنند اپوزدگونی فقط به فریاد زدن است. صد البته خوش‌بینی مغرط، غفلت‌غلیظ و چه بسا نفوذ موردی و جریانی برای انحراف از مقاصد بلند و وجوه ممتاز جمهوری اسلامی ایران قابل انکار نیست. امروزه عادی‌سازی و سازش و کنار گذاشتن مقاومت و استقلال به شکل فراتر بردشتی در حال اجراء است اما راه مواجهه با آن منفی‌بافی، یأس‌فرینی، اتهاژنی و اختلاف‌افکنی نیست. تبیین، روشنگری و افشای دروغ اگر با امیدافزینی، التفات به ظرفیت‌ها و امکان‌ها، مرور تاریخ پرفراز و نشیب ایران در حوادث و دگرگونی‌ها و توجه دادن به چشم‌اندازها نباشد، لاجرم به سیاه‌نمایی و تلخ‌کلمی منتهی می‌شود. اولویت دادن مسائل فرعی، کم‌ارزش کردن اقدامات بویژه آنها که معیشت مردم را

سلمان می‌دهد، برچسب‌زنی به مدیران، شخصیت‌های اجتماعی و تقلیل دادن مجموعه اقدامات به یکی دور رفتار قابل نقد سرنش‌گری، متهم‌سازی مردم، همه و همه با هر عنوان و بیانی انجام شود، شکلی از پدیده گلام است ایران اسلامی یعنی اسرائیل کودک‌کش می‌خواهد. از آغاز توفان الاقصی، نخست‌وزیر فریبکار رژیم صهیونی ۲ پیام دیدنمویی خطاب به مردم ایران داشته که در هر ۲ پیام در تلاش بوده پشتیبانی اجتماعی ایده مقاومت را راه بگیرد. حساسات‌های کاربری رژیم صهیونی به زبان فارسی در سکوهای مختلف هم همین هدف را دنبال می‌کنند، یعنی سعی در تکه‌تکه‌سازی پیکره واحد جامعه ایران با همه تنوع و چندگونگی دارند برای آنکه بتوانند بر کلیت آن راحت‌تر غلبه کنند. گلام‌های سیاسی بی‌آنکه بخواهند و بدانند نقشه دشمن را کامل می‌کنند.

نظام سیاسی در بالا و پایین مسیری که به سوی اهدافش طی می‌کند، شکست و پیروزی دارد و از دست رفتن سوریه برای جبهه مقاومت، شکست به شمار می‌آید اما فراموش نکنیم تاریخ، بازی تک‌حذفی نیست، لیگ قهرمانی است که مسابقات رفت و برگشت بسیاری دارد. به تعبیر شهید سرفراز حاج قاسم سلیمانی؛ «ترسیم، ترسید و نترسایت».

تبعات ناواقعه‌نمایی

از «مذاکره»

یادداشت روز

محمدحسین نظری

کارنامه دولت به عنوان بالاترین رکن اجرایی کشور، طبیعتاً مجموعه خدمات و صدماتی است که نقد و نامل در آنها چه در زمان استقرار هر دولت و چه پس از آن همواره می‌تواند مایه تذکر باشد. مشترکات دولت‌های یازدهم و دوازدهم با دولت چهاردهم و برخی اظهارات و فضاسازی‌های رسانه‌ای مشابه در ماه‌های گذشته، راقم این سطور را بر آن داشت که با اشاره به برخی حوادث آن دوره، مواردی را از باب مشورت به دولت محترم متذکر شود. پیداست که رفع تحریم به عنوان عامل جدی و مهم اخلاف در معیشت مردم، مستلزم تدابیری است که یکی از راه‌های آن، مذاکره با تحریم‌کنندگان است؛ مسیری که در ۲ دهه گذشته و در دولت‌های مختلف بارها طی شده و ابعاد سیاسی و اقتصادی آن نیز مکرر مورد بحث قرار گرفته و همچنان قابل بررسی است اما جنبه‌های اجتماعی آن مغفول مانده است؛ موضوعی که پرداختن به آن با توجه به وعده‌ها و شعارهای دولت چهاردهم و خط برترنگ مذاکره که از سوی رجال سیاسی و حامیان حزبی و رسانه‌های دولت پیگیری می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد تا شاید از این طریق از آثار و نتایج مخرب آن که پیش از این قریب به یک دهه گریبانگیر جامعه ایران بود، کاسته شود. اما این آثار و نتایج مخرب کدامند و چگونه به وجود می‌آیند؟ اگر بگوییم مذاکره بزرگ‌ترین پروژه سیاسی و پررنگ‌ترین کلیدواژه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بود، کمتر کسی با آن مخالفت می‌کند و تقریباً گزاره‌ای مقبول است. بحث از مذاکره در دولتی که با گفتن مذاکره مستقر شده بود و قصد داشت از طریق گفت‌وگو با تحریم‌کنندگان معیشت مردم را بهبود ببخشد و بستر رشد و توسعه اقتصادی را تمهید کند، انچنان جدی و پرنرنگ بود که به سرعت از محافل سیاسی و نتخبگانی به سطوح مختلف اجتماعی سرازیر و نقل محافل دوستانه و خانوادگی شد. این اقبال عمومی که با امید به گشایش اقتصادی شکل گرفت، پشتوانه خوبی برای دولت شد تا اهداف خود را با قدرت دنبال کند و از این باب اهرمی مثبت و مونر بود اما آثار و نتایج منفی آن زمانی از راه رسید که ابرپروژه دولت شکست خورد. به این ترتیب سرمایه اجتماعی که باید به نحوی حساب‌شده پشتوانه اهداف و برنامه‌های اساسی کشور قرار می‌گرفت، با غفلت دولت وقت و فضاسازی برخی جریان‌ها و رسانه‌ها صرف پروژه‌های سیاسی شد که نه‌تنها اهداف

کوتاهمدت دولت در بهبود اوضاع معیشتی مردم را تأمین نکرد، بلکه با رقم زدن یک دهه کود اقتصادی، افق آینده را برای بخشی از جامعه تیره و تار کرد. طبیعتاً هر دولتی ایده‌ها و طرح و برنامه‌هایی دارد که جهت کلی حرکت خود را بر آن اساس تنظیم می‌کند اما شناخت اقتضات و لوازم اجرا و پیش‌بینی آثار و نتایج آنها را نمی‌توان آسان گرفت. از طرفی در همان دوره بسیاری از اهالی فکر و نظر تذکر دادند که سرمایه‌گذاری قطعی روی طرحی که یک سوی آن دشمنان و بدخواهان ملت ایران قرار دارند، عاقلانه نیست و نباید انتظار عمومی را بالا برد و اصطلاحاً «ناید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد مذاکره گذاشت» اما استمرار فضاسازی‌ها و کشاندن گمانه‌ها و بحث‌های فنی به پایین‌ترین سطوح افکار عمومی و نفاق‌نمایی از مذاکره به عنوان شاه‌کلید بهبود معیشت و رشد و توسعه اقتصادی، موجی از نارضایتی در جامعه ایجاد کرد که البته خاموش باقی نماند و دست‌کم در ۲ برهه در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ به صورت ناآرامی‌های اجتماعی پدیدار شد. رفتار کلی دولت چهاردهم و برخی جریان‌ها و رسانه‌های نزدیک به آن و روزشماری برای مذاکره با آمریکا و البته برخی کنش‌های پرش‌برانگیز دولت در جریان تحولات منطقه نشان می‌دهد احتمال بازگشت به ۱۰ سال پیش منفی نیست. در این میان علاوه بر عامل غفلت و بی‌توجهی به تجربه‌های گذشته باید نقش عنصری که آگاهانه تلاش می‌کنند مسیر دولت را در این جهت منحرف کنند و از قضا در تجربه قبلی نیز نقش پررنگی داشتند جدی گرفت. درواقع حرکت در این مسیر تنها نتیجه ساده‌انگاری برخی رجال سیاسی نیست، بلکه منافع برخی گروه‌ها و جریان‌ها با حرکت در این مسیر و افزایش نارضایتی و ایجاد تنش‌های اجتماعی تأمین می‌شود. روشن است که طرح این مساله را نباید مخالفت با مذاکره تلقی کرد، چنان که در تمام دولت‌های پس از انقلاب به اقتضای شرایط، باب مذاکرات خارجی در سطوح مختلف باز بوده و در موارد متعدد آثار بسیار مثبتی برای کشور داشته است. از طرفی مذاکره یک ابزار قطعی در سیاست خارجی است که از قضا در شرایط سخت اقتصادی بسیار کارآمد و راهگشا است اما تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد اولاً تقابل آن به مذاکره با یک یا چند دولت خاصی که خود عامل تحریمند و ثانیاً القای آن دولت‌ها به عنوان تنها راه گشایش اقتصادی و شاه‌کلید بهبود وضع معیشتی و توسعه این نظر به پایین‌ترین سطوح اجتماعی و فشاری بر آن، نتیجه‌ای جز قطعی کردن جامعه و تشدید تنش‌های اجتماعی و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی ندارد.

پی‌نوشت

۱- ناواقعه‌نمایی در مقابل واقع‌نمایی به معنای واقع نشان دادن چیزی است که وجود خارجی ندارد و واقعی نیست.